

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال دوم، شماره پنجم، زمستان 1388

ص ص 138 - 125

سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی؛ نشانه‌های آسیب‌شناختی روابط اجتماعی در ایران

بهارک باقری زنوز¹

دکتر محمود علمی²

تاریخ دریافت: 1391/12/23

تاریخ پذیرش: 1391/9/17

چکیده

مفهوم سرمایه اجتماعی (social capital) شامل سرمایه و منابع حاصل از نهادها، روابط و هنجارهایی است که کنش متقابل اجتماعی جامعه را به لحاظ کمی و کیفی شکل می‌دهند. این مفهوم به دلیل ماهیت و محتوای خود می‌تواند در تحلیل‌های نظری در حوزه‌های مختلف به کار گرفته شود که یکی از آنها، حوزه آسیب‌های اجتماعی است به لحاظ ماهیت پیچیده آسیب‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی به‌عنوان ابزاری اساسی قابلیت و کارایی بالایی در تعیین و تشریح مسائل اجتماعی از جمله آسیب‌های اجتماعی دارد. با توجه به تأثیرات متقابل سرمایه اجتماعی با مسائل گوناگون جامعه و به ویژه آسیب‌های اجتماعی و نحوه حضور آنها در زندگی کنشگران اجتماعی، در این مطالعه ابتدا تعریفی از سرمایه اجتماعی ارائه شده است، سپس رابطه آسیب‌های اجتماعی با سرمایه اجتماعی با استناد به نتایج تحقیقات انجام گرفته مورد بحث قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، آسیب اجتماعی، اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی.

1- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

2- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. گروه علوم اجتماعی. تبریز - ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه و طرح مسأله

دغدغه تنزل روابط اجتماعی از جمله موضوعاتی است که در جامعه‌شناسی کلاسیک به چشم می‌خورد و شاید بتوان گفت که تولد جامعه‌شناسی معلول نگرانی مربوط به روند رو به تنزل روابط اجتماعی در نتیجه صنعتی شدن و آغاز مدرنیته است. جامعه‌شناسان کلاسیک عمدتاً متوجه تبیین و تشریح چگونگی مخدوش شدن روابط اجتماعی و خصوصیات منفعلانه فرد در قبال جامعه و ساختار اجتماعی بودند.

«امیل دورکیم» به انتقال جامعه از حالت انسجام ماشینی به انسجام آلی اشاره دارد و آثار آن را به صورت بی‌هنجاری و اختلال در روابط اجتماعی بررسی می‌کند. «فردیناند تونیس» درباره انتقال از گمین شافت (اجتماع) به گزل شافت (جامعه) و یا تأثیر زندگی شهری بر حیات انسانی و غلبه اراده عقلانی بر اراده طبیعی، نظراتی را ابراز داشته است. به نظر «جرج زیمل» فرآیندهایی مانند تقسیم کار فزاینده، عقلانیت مفرط و نظایر آن سبب پیدایش دزدگی و احتیاط در روابط اجتماعی در شهر شده است (شارع‌پور، 1380: 102). «کارل مانهایم» به اثرات صنعتی شدن، عقلانیت، بوروکراسی و تخصص تأکید دارد و این عوامل را در بروز بی‌یاوری و ناامیدی در انسان دخیل می‌داند. «رابرت مرتون» عدم ارتباط و تجانس معقول بین اهداف فرهنگی و وسایل نهادی شده جهت نیل بدان اهداف را از عوامل اصلی بی‌هنجاری اجتماعی می‌داند. «کارل مارکس» تقسیم کار، مالکیت خصوصی و روابط اجتماعی تولید در نظام سرمایه‌داری را از عوامل اصلی اختلال در روابط اجتماعی انسان‌ها ذکر می‌کند. «ماکس وبر» روابط و ضوابط قراردادی و نظم مفرط در کنش‌های انسانی، بوروکراسی و عقلانیت مفرط ناشی از آن را از علل اساسی بی‌قدرتی انسان می‌داند. «سی‌رایت میلز» به تضاد بارز بین آزادی و عقل از یک‌سو و اثرات تقسیم کار، بوروکراسی و عقل‌گرایی مفرط از سوی دیگر اشاره دارد. «دیوید رایزمن» الگوهای اجتماعی کننده جامعه را مسئول گم‌گشتگی انسان می‌داند و معتقد است این الگوها فرد را پیش از آن‌که متوجه خود کند، تحت راهنمایی‌ها و جهت‌دهی‌های دیگران درمی‌آورد. «یورگن هابرماس» عقلانیت علمی و ذهنی و کاهش عقل عینی و تکنیکی را موجب احساس پوچی و ناتوانی ایشان قلمداد می‌کند. «ماکس هورکهایمر» این احساس را ناشی از فرهنگ صنعتی، وسایل ارتباط جمعی و تکنولوژی مدرن می‌داند (محسنی‌تبریزی، 1370: 20 - 25). در هر جامعه‌ای حداقل چهار خرده نظام اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی وجود دارد که در هر یک از این حوزه‌ها کنشگران فردی و جمعی می‌توانند با رعایت اصول و قواعد عمل جمعی مورد قبول در آن حوزه‌ها به چهار نوع سرمایه یعنی سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه سیاسی مورد نیاز هر جامعه دست یابند. هر نوع فعالیتی که خارج از چارچوب اصول و قواعد عام عمل جمعی هر حوزه در جهت دستیابی به منابع ارزشمند آن حوزه صورت

گیرد، آسیب اجتماعی محسوب می‌شود. در شکل زیر خرده نظام اجتماعی، اصول و قواعد عام عمل جمعی، نوع منبع و کارکرد سرمایه تولید شده آمده است:

خرده نظام	اصول و قواعد	نوع منبع	کارکرد سرمایه
اجتماع: کنشگران جمعی	عام جمعی تعامل دوستانه و همدلانه	سرمایه اجتماعی (اعتماد)	تولید شده انسجام اجتماعی
راست کارکرد کنشگران فردی کنز کارکرد	راست کارکرد کنز کارکرد		
	تعامل خصمانه و خشن	عدم اعتماد	نابسامانی و از هم گسیختگی اجتماعی

شکل (1): خرده نظام اجتماعی، منبع: (عبداللہی، 1381: 21)

آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی یا غیررسمی جامعه قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی رو به رو می‌گردد. آسیب‌های اجتماعی پدیده‌های متنوع، نسبی، واقعی، متغیر و قانون مند هستند و همین قانون‌مندی، کنترل‌پذیری آن‌ها را ممکن می‌سازد. پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای موقوف به شناخت علمی ویژگی‌ها و قانون‌مندی‌های حاکم بر تحول آسیب‌ها در آن جامعه و به‌کارگیری یافته‌های علمی در فرایند برنامه‌ریزی اجتماعی است. آسیب‌های اجتماعی با کیفیت روابط اجتماعی در ارتباط هستند و به همین دلیل جامعه‌شناسان معاصر برای بررسی کمیت و کیفیت روابط اجتماعی در جامعه از مفهوم «سرمایه اجتماعی» بهره‌جسته‌اند. سرمایه اجتماعی، منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یک‌دیگر می‌توانند به دست آورند (بورديو، 1986؛ کلمن، 1988؛ پوتنام، 1993). به‌نظر «پیر بورديو» سرمایه اجتماعی، حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از «روابط نهادی شده بین افراد و عضویت در یک گروه» است. از دیدگاه «کلمن» سرمایه اجتماعی نشان‌دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به‌عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل نماید. بخش عمده‌ای از نظریه مربوط به سرمایه اجتماعی مبتنی بر بحث «اعتماد» است. اعتماد ارتباط تنگاتنگی با ارتباط متقابل تعمیم یافته دارد و شاخص مناسبی برای پیوندهای متقابل مثبت است. در فرایند توسعه اجتماعی میزان عضویت افراد در گروه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی مختلف افزایش می‌یابد و آمادگی فرد برای برقراری ارتباط بیشتر می‌شود و به این ترتیب اعتماد اجتماعی متقابل تعمیم می‌پذیرد در واقع می‌توان گفت که به همین دلیل است که عمده‌ترین مسئله نظم اجتماعی برای جامعه‌شناسان کلاسیک، اعتماد و همبستگی اجتماعی است، زیرا بدون آن‌ها پایداری نظم اجتماعی ممکن نیست (چلبی، 1375: 12).

اهمیت و ضرورت مطالعه و ملاحظات روش‌شناسی

شناسایی میزان و فرایند سرمایه اجتماعی در میان مردم جامعه می‌تواند به شناسایی روند تحولات اجتماعی و فرهنگی آن جامعه کمک زیادی بکند و نیز با مطالعه و شناخت دقیق سرمایه اجتماعی در میان اقشار اجتماعی مختلف می‌توان از این مفهوم و شاخص معتبر آن اعتماد اجتماعی در تحلیل مسائل اجتماعی و فرهنگی مانند انسجام اجتماعی، نظم اجتماعی، مشارکت اجتماعی و تقویت نهادهای مدنی به عنوان متغیر پیش‌بینی کننده بهره گرفت. آگاهی از این روند می‌تواند به برنامه‌ریزی اجتماعی و فرهنگی در انتخاب سیاست‌های اجتماعی و مدیریت اجتماعی و همچنین پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی کمک شایانی بکند. این مطالعه جنبه توصیفی و تحلیلی دارد و منابع مورد استفاده در گردآوری اطلاعات عبارت از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و تحلیل داده‌های موجود است. سوال اصلی این بررسی این است: چه رابطه‌ای بین میزان آسیب‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی وجود دارد؟ فرضیه اصلی این مطالعه این است که بین سرمایه اجتماعی و میزان آسیب‌های اجتماعی در یک جامعه رابطه‌ای وجود دارد. هر قدر میزان سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی) یک جامعه کمتر باشد، میزان وقوع آسیب‌های اجتماعی نیز در جامعه بیش‌تر خواهد بود. مدل تحلیلی و مفهومی در شکل زیر ارائه شده است:



شکل (2): مدل مفهومی سرمایه اجتماعی و آسیب اجتماعی

سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی و مدنی

امروزه هر کشوری از سه رکن اساسی برخوردار است که عبارتند از دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی. جامعه مدنی حوزه‌ای از روابط اجتماعی است که فارغ از دخالت قدرت سیاسی می‌باشد. نهاد این جامعه سازمان‌های غیردولتی یا NGO است. این سازمان‌ها شاخص توسعه‌یافتگی یک جامعه به شمار رفته و به مشارکت مدنی اعضای جامعه منجر می‌شود.

مشارکت مدنی به معنی همکاری مردم با نهادهای مدنی غیر وابسته به دولت و یا عضویت آن‌ها در این‌گونه نهادها یکی از اصلی‌ترین عوامل و شاخص‌های توسعه در جوامع امروزی است. در جوامعی که امروزه به نام جوامع توسعه یافته شهرت دارند، متعاقب رنسانس، انقلاب صنعتی و تحولات اجتماعی و هم‌زمان با گذار جوامع از سنت به مدرنیته، سلطه بخش‌های رسمی و غیر رسمی کاهش و مشارکت

مدنی مردم افزایش یافت. رشد نهادهای مدنی، مشارکت مدنی مردم را در فرایند توسعه جامعه نهادینه و مردم را از حقوق و وظایف شهروندی آگاه و دولت را در برابر آنان مسئولیت پذیر نمود. علیرغم مساعد بودن شرایط جهانی برای رشد و تحکیم نهادهای مدنی، پدیده مشارکت مدنی و رشد نهادهای مدنی در جوامع در حال توسعه و گذار امروزی در نخستین مراحل سیر تکوینی خود به سر می‌برد. این امر مانع از شکل‌گیری یک الگوی انسجامی مبتنی بر تعامل و همکاری متقابل بین بخش‌های سه گانه (مردم، نهادهای مدنی و دولت) به‌عنوان عناصر مکمل جامعه نوین شده است. در این جوامع مردم گسسته از بخش‌های رسمی علی‌رغم گرایش به مشارکت مدنی با خلاء حاصل از فقدان نهادهای مدنی روبه‌رو می‌شوند و در نتیجه نابسامانی و عوارض آن از جمله نارضایتی نظام اجتماعی، خشونت و انواع آسیب‌های اجتماعی افزایش می‌یابد. در جامعه در حال گذار امروزی ایران مطابق نظر امیل دورکیم به موازات فروپاشی نظام سنتی، نظام نوین و نهادهای مدنی و جامعه مدنی شکل نگرفته و جامعه و مردم دچار آنومی (نابسامانی) شده‌اند.

در فرایند توسعه اجتماعی، میزان عضویت اعضای جامعه در گروه‌ها، سازمان‌ها و انجمن‌های مختلف افزایش می‌یابد و آمادگی فرد برای برقراری ارتباط بیشتر می‌شود و بدین ترتیب اعتماد اجتماعی متقابل تعمیم می‌پذیرد. در شرایط وجود سرمایه اجتماعی بالا، مشارکت اجتماعی و سیاسی عضویت داوطلبانه در سازمان‌های غیر دولتی NGO و انجمن‌های داوطلبانه تحقق می‌یابد. این انجمن‌ها آثار و پیامدهای مثبتی دارند از جمله به ارائه فرصت‌های اجتماعی به افراد، عضویت در گروه‌های اجتماعی بیشتر و بسط روابط اجتماعی و شبکه مشخص افراد منجر می‌شود. در واقع افراد از دو طریق با جامعه رابطه برقرار می‌کنند یکی از طریق ایجاد ارتباط با سایر کنشگران و دیگر از طریق عضویت در گروه‌ها. مشارکت موثر و داوطلبانه به افراد اجازه می‌دهد تا آنان تعهدات خود را ورای اجتماعات طبیعی مانند خانواده تعمیم دهند و رفتاری عام‌گرایانه داشته باشند.

صاحب‌نظران (بولن و انیکس، 1999؛ به نقل از: شریفیان ثانی، 1380) هشت عنصر مهم سرمایه اجتماعی را به قرار ذیل مطرح کرده‌اند:

- مشارکت در اجتماع محلی
- کنشگرایی در یک موقعیت اجتماعی
- احساس اعتماد و امنیت
- پیوندهای دولتی و خانوادگی
- ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها
- بهادادن به زندگی
- پیوندهای کاری (مدنی، 1382: 10-11).

کلمن سرمایه اجتماعی را نوعی کالای عمومی می‌داندست که گرچه به دست کسانی که آن را تشخیص می‌دهند، ایجاد می‌شود، ولی منافع آن شامل تمام اجزای ساختار می‌گردد. بنابراین سرمایه اجتماعی سبب می‌شود تا همکاری بین افراد ایجاد شود که در غیر این صورت دنبال منافع فردی خود می‌بودند (شیروانی، 1383: 51)

کلمن بر این باور بود که انواع خاصی از ساختارهای اجتماعی بیش از سایرین انتخاب‌کنش‌های افراد را تسهیل می‌کند. او تمایل داشت تا خانواده را به عنوان کلاف قدیمی سرمایه اجتماعی تصور کند. می‌توان این مطلب را نتیجه علاقه وی به رشد شناختی کودکان ذکر کرد و به درستی واضح‌ترین تعریف کلمن از سرمایه اجتماعی، بر حسب ارزش آن برای بزرگ شدن بچه‌ها یا جوانان بوده است. بنابراین به بیان اصولی‌تر، چاقوب نظری کلمن جایگاهی برتر به خانواده به‌عنوان شکل برتر آن‌چه سازمان اجتماعی «بدوی» می‌نامد، می‌دهد که سازمان به خاطر این حقیقت که ریشه‌های آن در روابط ایجاد شده از طریق تولد نوزاد نهفته است، متمایز می‌گردد. کلمن این سازمان را با اشکال «شناخته شده» سازمان اجتماعی که ممکن است اعضای آن برای اهداف محدودی گرد هم جمع شوند و عامل‌های کنترل اجتماعی در آن‌ها از اشکال بدوی چون خانواده باشند، مقایسه نمود. کلمن باور داشت که اضمحلال خانواده و سایر اشکال سازمان بدوی منجر به انتقال مسئولیت جامعه‌پذیری اولیه به سازمان‌های ساخته شده‌ای از قبیل مدارس شده است که نهایتاً باعث فرسایش بلند مدت سرمایه اجتماعی، که کارکرد جامعه به آن وابسته شده است، می‌گردد. از نظر کلمن، خویشاوندی به‌طور عام و خانواده به‌طور خاص، نشان دهنده یک پایه مهم جامعه هستند و او نسبت به دورنمای آن شکل از کنترل اجتماعی که در مجموعه‌ای تنظیمات مصنوعی ریشه دارد، کاملاً بدبین بود. حتی با این حال در چارچوب نظریه کلمن هم‌چنان این امکان وجود دارد که برخی اشکال ساخته شده سازمان بیش از سایرین برای ارتقای سرمایه اجتماعی مفید باشد (فیلد، 1386: 47).

از نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی عبارت است از: غیر رسمی جا افتاده‌ای که همکاری میان دو یا چند نفر را تشویق می‌کند. از نظر او دامنه هنجارهایی که سرمایه اجتماعی را به‌وجود می‌آورند می‌تواند از هنجارهای متقابل بین دو دوست تا تمام آموزه‌های پیچیده و کاملاً جزء به جزء مانند مسیحیت یا آیین کنفوسیوس را در بر گیرد. آن‌ها باید در رابطه انسانی واقعی جا افتاده باشند. هنجار متقابل به هنگام سروکار داشتن با تمام مردم به‌طور متقابل وجود دارد اما تنها به هنگام برخورد با دوستان بالفعل می‌شود. بنابراین، اعتماد، شبکه‌ها، جامعه‌مدنی و موارد دیگری که با سرمایه اجتماعی همراهند، تماماً آثار و نتایج سرمایه اجتماعی هستند نه اجزای تشکیل دهنده آن.

هر مجموعه‌ای از هنجارهای جا افتاده، سرمایه اجتماعی را تشکیل نمی‌دهند بلکه آن‌ها باید به همکاری در گروه‌ها منجر شوند و بنابراین با ارزش‌های معنوی سنتی هم‌چون صداقت، پای‌بندی به تعهدات و وظیفه‌شناسی، رابطه متقابل و نظیر آن مرتبط باشند (فوکویاما، 1379: 13-11).

فوکویاما معتقد است سرمایه اجتماعی متعلق به گروه‌هاست نه افراد. هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند در صورتی معنی دارد که بیش از یک نفر در آن سهیم باشند که با یک‌دیگر تبادل اطلاعات می‌کنند یا در پروژه‌های مشترک همکاری می‌کنند و یا ممکن است در مقیاس بزرگ‌تری تمامی یک ملت باشد. فوکویاما برخی از کشورها را که از نظر فرهنگی یکسان هستند بر اساس سرمایه اجتماعی مقایسه می‌کند و هدف او این است که به این سوال پاسخ دهد: چرا برخی کشورها موقعیت اقتصادی بیش‌تری نسبت به سایر کشورها دارند. او ادعا می‌کند در این کشورها سطوح بالای قابلیت اجتماعی (سرمایه اجتماعی) صداقت و اعتماد افراد را به انجام کارهای مشارکتی و تعاونی مشتاق می‌سازد و زمینه را برای رشد و ترقی فراهم می‌کند. مثلاً در جامعه ژاپن سطوح بالای سرمایه اجتماعی سبب گسترش و توسعه این کشور گردیده درحالی‌که در جامعه چین پیوندهای موجود مانع شکل‌گیری سرمایه اجتماعی شده و فرصت‌های نوآوری را محدود ساخته است. فوکویاما معتقد است که جوامع مدرن به جای این‌که در صدد باشند که اخلاق اعضایشان را بهبود بخشند در جست و جوی تاسیس نهادهایی چون حکومت مکتبی بر قانون اساسی و مبادله مبتنی بر بازار آزاد هستند، تا رفتارهای اعضای خود را نظام‌مند کنند (عزیزیانی فر و دیگری، 1386: 15).

فوکویاما معتقد است جامعه مدرن بدون پشتوانه مذهب، فرهنگ و سنت از پایه فرو خواهد ریخت. او درخصوص موفقیت جوامع مدرن معتقد است تنها به این علت توفیق یافته‌اند که قادر به زنده نگه داشتن سرمایه اجتماعی انباشته شده قرون متمادی بودند (همان).

فوکویاما یافتن عدد مشخص و قابل قبول برای بیان مقدار سرمایه اجتماعی را مشکل می‌داند به نظر او شاید اطلاعاتی در خصوص گروه‌ها و زیرمجموعه‌های آن‌ها وجود داشته باشد اما اتفاق نظر مشخصی در خصوص تفاوت‌های کیفی این اطلاعات در دسترس نیست. او برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی از روش جایگزینی استفاده می‌کند. به نظر او می‌توان نبود سرمایه اجتماعی به عبارتی انحرافات اجتماعی از قبیل جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف موادمخدر، طرح دعاوی و دادخواهی، خودکشی، فرار از پرداخت مالیات و موارد مشابه را به روش‌های مرسوم اندازه‌گیری کرد. فرض بر این است که چون سرمایه اجتماعی وجود هنجارهای مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می‌کند، انحرافات اجتماعی نیز بازتاب نبود سرمایه اجتماعی خواهد بود (مبارکی، 1383: 63).

مباحث و مطالعات فوکویاما پیرامون سرمایه اجتماعی مانند پاتنام در سطح کلان دنبال شده است. او سرمایه اجتماعی را در سطح کشورها و در ارتباط با رشد و توسعه اقتصادی آن مورد بررسی قرار داده است. بنابراین تعریف او از سرمایه اجتماعی نیز طبعاً یک تعریف جمعی بوده و سرمایه اجتماعی به منزله دارایی گروه‌ها و جوامع تلقی می‌گردد (توسلی و دیگری، 1384: 21).

از طرف دیگر فوکویاما شبکه را یک سازمان هموار می‌نامد که با سازمان مبتنی بر سلسله مراتب متفاوت است چرا که در آن مقررات بوروکراتیک و اقتدار رسمی با هنجارهای غیر رسمی مشترک که میان اعضا درونی شده است، جایگزین می‌شود (همان).

ملاحظه می‌شود مولفه‌های مورد بحث پاتنام در تعریف سرمایه اجتماعی اعم از شبکه‌های مشارکت مدنی با روابط افقی یا هنجارهای اعتماد و همیاری، در بحث فوکویاما نیز تکرار می‌شود. او با تفکیک گروه‌های خیریه داوطلب از گروه‌هایی که برای منافع خاصی اعضای آن‌ها با یکدیگر همکاری می‌نمایند، دسته اول گروه‌ها را به واسطه برخورد ایشان از اعتماد با شعاع مثبت مولد سرمایه اجتماعی می‌داند و مفید به حال جامعه مدنی معرفی می‌نماید (همان).

در همان حال به رابطه معکوس میان پیوندهای مستحکم اخلاقی داخل گروه یا میزان اعتماد اعضای گروه به افراد غیر عضو اشاره دارد (شعاع بی‌اعتمادی) که گاهی اوقات موجب کاهش همکاری موثر گروه با جامعه کل می‌گردد. فوکویاما ضمن تایید اهمیت خانواده به مثابه شکلی از سرمایه اجتماعی، به جوامعی اشاره دارد که در آن‌ها توازی میان مناسبات خانوادگی و مناسبات غیرخانوادگی وجود نداشته و بر مناسبات خانوادگی به زیان دیگر مناسبات خانوادگی و مناسبات غیرخانوادگی وجود نداشته و بر مناسبات خانوادگی به زیان دیگر مناسبات اجتماعی تاکید می‌شود (خانواده مداری غیر اخلاقی) و اصولاً به دلیل وجود روابط اخلاقی غیررسمی در شبکه‌ها، وجود پدیده‌هایی از قبیل آشناپروری، پارتی‌بازی، ناشکیبایی، نژادگرایی را همیشه محتمل می‌داند که البته می‌بایست از اشکال واقعی سرمایه اجتماعی تفکیک گردند. از نظر فوکویاما مفهوم شعاع اعتماد بر توانایی افراد جامعه به فراتر رفتن از خانواده و خویشان داشتن همکاری و همیاری با دوستان و دیگر شهروندان خلق می‌شود (همان).

با این حال خانواده نوع مهمی از سرمایه اجتماعی به‌شمار می‌آید که از نظر فوکویاما زوال آن در جامعه آمریکا به اشکال گوناگون بر کاهش سرمایه اجتماعی در آن جامعه موثر بوده است. افزایش جرم و جنایت، خودکشی، الکلیسم، مصرف مواد مخدر و فرزندان نامشروع از یک سو و کاهش مشارکت‌های مدنی و کاهش اعتماد از سوی دیگر نتیجه زوال و از نشانه‌های فروپاشی بزرگ به زعم فوکویاما می‌باشد (همان).

به نظر «پاتنام» شبکه‌های مشارکت یکی از اشکال فردی سرمایه اجتماعی می‌باشند و هر چه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند احتمال همکاری شهروندان در جهت منافع متقابل بیش‌تر است. شبکه‌های مشارکت مدنی، هزینه‌های بالقوه عهدشکنی را در هر معامله‌ای افزایش می‌دهند، ارتباطات را تسهیل می‌کنند و جریان اطلاعات را در مورد قابل اعتماد بودن افراد بهبود می‌بخشند (پاتنام، 1380: 297).

بین سرمایه اجتماعی و روابط اجتماعی مبتنی بر اعتماد عضویت در انجمن‌های داوطلبانه تقویت مشارکت سیاسی، عملکرد دموکراتیک نهادهای حکومتی و تقویت نهادهای مدنی ارتباط منظمی وجود دارد.

در زمینه رابطه آسیب‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی تئوری‌های مختلفی ارائه شده است که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

نظریه انتخاب عقلانی

مطابق این نظریه، افرادی که دارای انتخاب‌های عقلانی هستند زمانی مرتکب جرم می‌شوند که سود خالص مورد انتظاری که از این فعالیت به دست می‌آید بیش‌تر از آستانه اخلاقی (Moral threshold) آن‌ها باشند (دورمن و دیگران، 1999: 13).

بنابراین بر اساس این دیدگاه می‌توان گفت در صورت وجود سرمایه اجتماعی مثبت و روابط گرم متقابل و اعتماد کافی بین اعضای جامعه افراد در اغلب موارد مرتکب جرم نمی‌شوند، به خاطر آن‌که با انجام دادن آن شبکه روابط خود را از دست داده و از طرف کسانی که با آن‌ها رابطه داشتند طرد می‌شوند و این فرایند هزینه زیادی برای آن‌ها خواهد داشت و ارتکاب جرم به صرفه نخواهد بود.

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی

بر اساس این نظریه، برخی اجتماعات به‌خاطر اختلال در فرآیندهای رسمی و غیر رسمی کنترل اجتماعی قادر به خود تنظیمی موثر (Effectively self Regulation) نیستند. این شرایط منجر به مختل شدن ساختار سازمانی محله می‌شود که سست شدن پیوندهای ساکنان نسبت به هم‌دیگر و نسبت به اجتماع را به دنبال خواهد داشت. در نتیجه برخی ساکنان از کنترل‌های اجتماعی هنجاری پیروی نخواهند کرد. پایه و اساس کنترل اجتماعی، سرمایه اجتماعی است و از آن‌جایی که اجتماعات سازمان نیافته قادر به انباشت سرمایه اجتماعی لازم نیستند بنابراین تا حدودی گرفتار جرم و آسیب‌های اجتماعی دیگر می‌باشند» (رزو کلیبر، 1998).

نظریه فشار

کاهش سرمایه اجتماعی و ضعف یا فقدان تعلقات اجتماعی هم در جامعه و هم در درون خانواده باعث می‌شود که افراد هنگام مواجه شدن با منابع فشار نتوانند به آن‌ها غلبه نمایند در نتیجه احساسات منفی در افراد ایجاد می‌شود که منجر به جرم و بزهکاری خواهد شد.

نظریه پیوند افتراقی

در این نظریه با تأکید بر نقش کنش متقابل اجتماعی در شکل‌گیری گرایش‌ها و رفتارهای انحرافی، گفته شده است که ورود افراد در گروه‌های کجرو و برقراری ارتباط نزدیک با اعضای آن گروه به مرور زمان ارزش‌ها و هنجارهای خرده فرهنگی کجرو یاد گرفته می‌شود و از آن‌جا که انسجام درون گروهی در آن بالا می‌باشد از این رو فرد سعی می‌کند برای حفظ همبستگی گروهی، رفتارهای کجرو یاد گرفته شده را بر ضد گروه‌های دیگر به کار بندد در نتیجه فرد مرتکب جرم می‌گردد. در واقع آن نوع سرمایه اجتماعی که در بین اعضای گروه وجود دارد از نوع سرمایه اجتماعی درون گروهی و مخفی بوده هرچه سرمایه اجتماعی فاسد در جامعه بیش‌تر باشد میزان جرم نیز در آن جامعه زیاد خواهد بود.

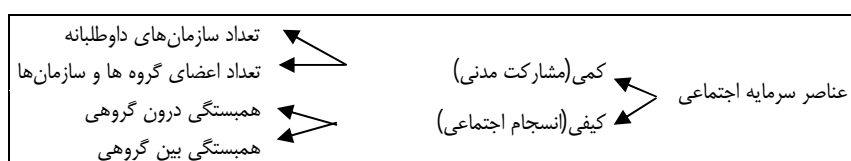
نظریه تعاملی

تورن بری معتقد است که شروع جرم می‌تواند ریشه در فرسایش پیوندهای اجتماعی در طول دوره نوجوانی داشته باشد این فرسایش به وسیله ضعیف شدن دلبستگی به والدین، تعهد به مدرسه و اعتقاد به ارزش‌های مرسوم مشخص می‌گردد. ضعف پیوندها موجب می‌شود که نوجوانان دوستی خود را با همسالان کجرو توسعه داده و در رفتارهای کجروانه درگیر شوند، درگیری مکرر در رفتارهای کجرو پیوندها را ضعیف‌تر کرده و بازسازی آن‌ها را مشکل‌تر می‌سازد (سیگل، 2001: 312). با استناد به تئوری‌های مورد بررسی پژوهشگران در مورد رابطه آسیب‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی به نتایج قابل توجهی دست یافته‌اند.

رابطه آسیب‌های اجتماعی با سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی و شاخص معتبر آن اعتماد اجتماعی، بستر تعاملات و روابط اجتماعی در جامعه است. به گفته «زیمل» اعتماد وقتی وجود خواهد داشت که آدم به کس یا اصلی باور داشته باشد، اعتماد بیان‌کننده این احساس است که میان تصور ما از یک موجود و خود آن موجود پیوند و وحدت معینی وجود دارد و ادراک ما از آن موجود از تداوم معینی برخوردار است (گیدنز، 1377: 33). به نظر صاحب‌نظران جامعه‌شناسی از جمله دورکیم پایه اصلی هر نظم اجتماعی، عاطفه است و این ریشه در وابستگی عاطفی به جمع (احساس عضوی) و روابط عاطفی در جمع دارد. فرسایش سرمایه اجتماعی منجر به اختلال رابطه‌ای می‌شود. اختلال رابطه‌ای را می‌توان به کمک پنج عامل اصلی تعیین‌کننده آن به‌شيوه کمی تعریف نمود. مراد از اختلال رابطه‌ای پایین بودن چگالی روابط اجتماعی (نسبت روابط موجود بین جمعیت کنشگران به روابط ممکن بین آن‌ها)، قرینگی روابط اجتماعی (نسبت روابط دو جانبه موجود بین کنشگران در جامعه به روابط یک جانبه بین آن‌ها)، تعدد روابط اجتماعی، شدت روابط اجتماعی و تنوع گروه‌ها و هویت‌ها در روابط اجتماعی است (چلبی، 1375: 147). در صورتی که به هر

دلیل روابط گرم در عرض جامعه به سردی گراید و احساس تعلق کنشگران به جامعه سست شود، میزان اعتماد اجتماعی و نظم هنجاری و تعهدات جمعی تضعیف می‌شوند و در نتیجه استحکام اجتماعی خدشه‌دار شده و آسیب‌پذیری جامعه و افراد فزونی می‌گیرد. با توجه به عناصر مختلف سرمایه اجتماعی که در شکل (2) آمده است. هنگامی که میزان مشارکت اجتماعی مردم کاستی می‌گیرد و میزان انسجام اجتماعی چه در بعد درون گروهی و چه در بعد بین گروهی کاهش یابد. میزان آسیب‌های اجتماعی نیز در جامعه رو به افزایش می‌گذارد.



شکل (3): عناصر سرمایه اجتماعی

«امیر کافی» در مطالعه خود نشان می‌دهد که بی‌اعتمادی تأثیر موثر و کاهنده‌ای بر روابط اجتماعی و پیوند اجتماعی دارد و این امر زمینه مناسبی برای انزوای اجتماعی افراد فراهم می‌آورد. با افزایش سطح روابط اجتماعی، یأس اجتماعی، احساس عجز و تنهایی کاهش می‌یابد و در مقابل تحمل اجتماعی تقویت می‌گردد (چلبی و دیگری، 1383: 13-3) در مطالعه دیگری «آزاد ارمکی و کمالی» به این نتیجه رسیده‌اند که در جامعه ما، میزان اعتماد متقابل به همسایگان، هم‌محلی‌ها و همشهری‌ها بسیار کم در حد 3/87، دیگران دور در حد 4/95 و دیگران در حد 4 می‌باشد، مقیاس این اندازه‌گیری در فاصله (0 - 10) می‌باشد. میانگین اعتماد متقابل بین شخصی در مورد زنان 5/23 و در مورد مردان 5/32 و در کل 5/27 است. به نظر محققان، این امر می‌تواند نشانه‌های آسیب‌شناختی روابط اجتماعی تلقی گردد. هم‌چنین در این مطالعه، مشخص گردیده که هر چه دسترسی افراد به رسانه‌ها بیشتر باشد، سطح اعتماد متقابل در میان آنان کاهش می‌یابد و شیوه‌های اجتماعی مبتنی کردن بر بدگمانی، احتیاط و دوری‌گزینی از دیگران مانع ایجاد زمینه اصلی برای اعتماد است. آن‌چه محور تمرکز و سرلوحه اصول فعالیت جامعه محسوب می‌شود «احتیاط» به جای «اعتماد» است (آزاد ارمکی و دیگری، 1383: 132-100). «چلبی و مبارکی» نیز در مطالعه خود در دو سطح خرد و کلان در مورد رابطه سرمایه اجتماعی و جرم به نتایج زیر دست یافتند:

مطالعه در بین افراد مجرم نشان می‌دهد که 25/8 درصد آن‌ها سرمایه اجتماعی زیادی از خود نشان داده‌اند و 27 درصد سرمایه اجتماعی کم‌تری را دارا بودند، در مقابل 35/7 درصد افراد عادی دارای سرمایه اجتماعی بالا بوده و تنها 12/5 درصد آن‌ها سرمایه اجتماعی کم‌تری را اظهار نموده‌اند. شاخص‌های مورد مطالعه سرمایه اجتماعی در سطح خرد در مطالعه آن‌ها عبارت از میزان مشارکت اجتماعی، روابط همسایگی و خانوادگی، علاقه فراوان به جامعه، اعتماد اجتماعی، گرایش نسبت به

دیگران، کمک و ایثار نسبت به غریبه‌ها و خود باوری می‌باشد. هم‌چنین نتیجه مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که هر چقدر سرمایه اجتماعی فرد در یک جامعه بالا باشد و جامعه از آنومی کم‌تری برخوردار باشد میزان ارتکاب جرم افراد در آن جامعه کم‌تر خواهد بود. در سطح کلان هر جامعه‌ای که دارای اعتماد بالا باشد، افراد آن جامعه کم‌تر مرتکب جرائم مختلف خواهند شد. شاخص‌های مورد مطالعه سرمایه اجتماعی در سطح کلان عبارت از اعتماد اجتماعی، عضویت در سازمان‌ها و اطمینان به سازمان‌های مختلف است (چلبی و دیگری، 1384: 44-3). چلبی نیز معتقد است «شواهد بسیاری دلالت بر کاهش اعتماد اجتماعی در تمامی ابعاد و سوگیری عاطفی و خاص‌گرا در روابط کنشگران در تمام سطوح در ایران وجود دارد (چلبی، 1375: 77). به این ترتیب نتایج مطالعات انجام گرفته نشان می‌دهد که در جامعه امروز، میزان سرمایه اجتماعی کاستی گرفته و این امر به افزایش میزان آسیب‌های اجتماعی در سطوح مختلف خرد و کلان و در روابط اجتماعی افراد و گروه‌ها و خرده نظام‌های اجتماعی منجر شده است.

بر اساس گزارش رسمی مرکز آمار ایران، تعداد پرونده‌های مختومه در دادگاه‌های عمومی کشور طی سال‌های 1383-1363 به شرح زیر بوده است (به جهت رعایت اختصار فقط 3 دوره زمانی ارائه شده است)

جدول تعداد پرونده‌های مختومه در دادگاه‌های عمومی کشور طی سال‌های 1383-1363

نوع جرم	سال 1363	سال 1373	سال 1384
قتل عمد	1563	2104	4489
طلاق	22263	52433	131196
اعمال منافی عفت	15593	36820	63431
ایراد ضرب و جرح	62408	108331	3128
سرقت	25200	56861	153921

منبع: (تحولات اقتصادی، اجتماعی کشور از نگاه آمار، 1384: 95)

ذکر این نکته ضروری است که در این مدت جمعیت کشور از 49445010 نفر در سال 1365 به 68467440 نفر در سال 1384 افزایش پیدا کرده است. یعنی کم‌تر از دو برابر، در حالی که بعضی از جرایم فوق‌الذکر گاه تا شش برابر نیز افزایش پیدا کرده است.

نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی پدیده‌ای برخاسته از تجارب تاریخی مردم است و لذا همواره در معرض تغییر قرار دارد و بنابراین آسیب‌های اجتماعی مرتبط با آن نیز تغییر پذیر می‌باشند. ضعف سرمایه اجتماعی، هزینه روابط اجتماعی را افزایش می‌دهد و موجب می‌شود که حل مسالمت آمیز تضادها، تفاوت‌های بین شخصی و تضادهای اجتماعی به سهولت امکان‌پذیر نشود. میزان موفقیت هر جامعه در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی معرف کارآیی نظام اجتماعی است. آسیب‌های اجتماعی، انرژی هرز رفته‌ای است که نظام اجتماعی ناکارآمد به مردم جامعه تحمیل می‌کند. نتایج مطالعات انجام گرفته نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری بین میزان سرمایه اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی و رفتاری وجود دارد. با توسعه جامعه مدنی، عضویت بیش‌تر مردم در گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی داوطلبانه و غیردولتی، گسترش روابط اجتماعی افراد با دیگران، مشارکت فعال مردم در سرنوشت خود و جامعه، استقرار مدیریت اجتماعی شایسته می‌توان سطح سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی را افزایش داد، همبستگی و انسجام اجتماعی را تقویت نمود و از گسترش دامنه آسیب‌های اجتماعی در روابط اجتماعی حتی‌الامکان جلوگیری کرد.

منابع

- آزاد ارمکی، ت و دیگری. (1383). *اعتماد، اجتماع، جنسیت*. مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره 2.
- توسلی، غ و دیگری. (1384). *مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تاکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی*. نامه علوم اجتماعی. شماره 26.
- چلبی، م. (1375). *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*. تهران: نشرنی.
- چلبی، م و دیگری. (1383). *تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی*. مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره 2.
- چلبی، م و دیگری. (1384). *تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان*. مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره 2.
- شارع‌پور، م. (1380). *فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن*. نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران شماره 3.
- عبداللهی، م. (1381). *آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران*. مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، تهران: انتشارات انجمن جامعه‌شناسی ایران، جلد یکم. ص 51 - 15.
- عزیزیانی، فر، ج و دیگری. (1386). *بررسی تئوریک سرمایه اجتماعی و تبیین کارکردهای آن*. فصلنامه فرهنگی ادبی زرینبار.
- فوکویاما، ف. (1384). *سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی*. مترجم: افشین خاکباز و دیگری. تهران: نشر: شیرازه.

محسنی تبریزی، ع. (1370). **بیگانگی**، نامه علوم اجتماعی، شماره 25.

مدنی، س. (1382). **پیامدهای جنسیتی تخریب سرمایه اجتماعی**. فصل نامه پژوهشی زنان. دوره اول. شماره 5.

مرکز آمار ایران. (1384). **تحولات اقتصادی، اجتماعی کشور از نگاه آمار**. تهران: دفتر انتشارات و اطلاع رسانی.

گیدنز، آنتونی. (1377). **پیامدهای مدرنیته**. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.

Lederman, Daniel, loayza, Norman and Maria, Menend Ana, (1999). **Violent crime: does social capital Maffer**" 9-43, hhttp:// www. Rose – net.com.

seigel, larry. (2001). **criminology Theories, patterns and Typologies**. www.thomsonrights.com.

Rose, Diana A., clear, Tood R., (1998). **"nteraction, social capital, and crime: Impicafions for social Disorganization Theory "** criminology. Beverly Hills.